



مجموعه پرسش و پاسخ های دینی (۱۷)

اخلاق در خانواده



بخش مکتوب مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ
تُؤَجَّرُ أَرْبَعَةٌ، السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ.



دانش همانند گنجینه‌هایی است که کلیدهای
آنها پرسش است. پس بپرسید- خداوند شما را رحمت کند-
که در این بین چهار تن اجر برند:
آنکه می‌پرسد و گوینده و شنونده و دوستدار ایشان.

تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، ج ۱، ص ۴۱



پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات
یکی از اساسی‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه است.





اخلاق در خانواده

مجموعه پرسش و پاسخ‌های دینی (۱۷)

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی

اخلاق در خانواده

پژوهشگران
کارشناسان بخش مکتوب
ناظران علمی
مدیران علمی بخش مکتوب
چاپ اول
پاییز ۱۴۰۰



فهرست مطالب

مقدمه.....	۶
۱. اختلاف با خانواده همسر.....	۷
۲. ارتباطات خانوادگی آسیبزا.....	۱۴
۳. بیتوجهی مرد به همسرش.....	۲۰
۴. حقوق زن و مرد در روابط خانوادگی.....	۲۸
۵. حقوق متقابل والدین و فرزندان.....	۳۷
۶. طلاق همسر به درخواست مادر.....	۴۵



مقدمه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مفتخر است در طی سالیان متمادی با بهره‌گیری از کارشناسان متخصص و باتجربه و با رویکرد تخصصی در امر پاسخگویی، در رشته‌های قرآن و حدیث، کلام و اعتقادات، تاریخ، اخلاق، مشاوره و احکام شرعی، میلیون‌ها پرسش از سوی اقشار مختلف جامعه را پاسخ گفته است. بخش پاسخگویی مکتوب این مرکز، به‌عنوان باسابقه‌ترین بخش پاسخگویی، با رسالت «پاسخگویی مطلوب به سؤالات ویژه»، عهده‌دار تولید محتوای غنی و منطبق با اصول علمی تحقیق در عرصه پاسخ به سؤالات دینی می‌باشد، که محصولات متعددی در قالب کتاب و نرم‌افزار ارائه کرده است.

اثر حاضر بخشی از «مجموعه پرسش و پاسخ‌های دینی» است که هر بخش حاوی چند پرسش و پاسخ محدود، پیرامون یک موضوع معین می‌باشد. رویکرد بخش مکتوب در تدوین این مجموعه رعایت اختصار در تعداد سؤالات و ارائه پاسخ جامع و مستند می‌باشد.

ضمن قدردانی از کارشناسان محترم بخش مکتوب، از تمام کسانی که در انتشار این مجموعه نقش داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

مدیر بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه



۱. اختلاف با خانواده همسر

پرسش:

خانمی هستم که ۲۲ سال است ازدواج کرده‌ام. مادر شوهرم هر از گاهی به خانه ما می‌آید و از رفتار من نسبت به خواهرشوهرم گلایه می‌کند در صورتی که من تقصیری ندارم. در عین حال نمی‌توانم به ایشان جواب دهم. به همسرم می‌گویم، ایشان هم اعتنایی نمی‌کند و باعث کدورت و درگیری می‌شود. هر دوی ما ناراحتی اعصاب گرفته‌ایم! واقعاً خسته شده‌ام. تصمیم دارم به خواهرشوهرم بگویم دست از سر ما بردارد و این قدر بدگویی ما را نکند! به نظرتان درست است؟ چه راهکار دیگری پیشنهاد می‌کنید؟

پاسخ:

مقدمه:

یکی از نکات بسیار مهم در ارتباطات فAMILI، ارتباط با خانواده همسر است و زن و شوهر باید به خانواده همسرشان به اندازه خودشان احترام بگذارند و با آنها طوری رفتار کنند که با خانواده خودشان رفتار می‌کنند. همسران مانند اقوام و خویشاوندان خودشان، نسبت به خانواده همسرشان هم مسئولیت‌هایی خواهند داشت و باید صلح‌رحم و مسائل اخلاقی را با آنها هم به‌جا بیاورند. متأسفانه اختلاف با مادر شوهر و خواهرشوهر از



مسائل رایج خانواده‌هاست و در همین راستا نکاتی خدمت‌تان تقدیم می‌کنیم:

۱. بهتر بود اطلاعات بیشتری در اختیار ما قرار می‌دادید؛ مثلاً از چه رفتارهایی نسبت به خواهرشوهرتان گلایه می‌کنند؟ چه اتفاقی بین شما و خواهرشوهرتان می‌افتد؟ میزان ارتباط شما و رفت‌وآمد شما چگونه است؟ چرا حق با شماست؟ روابط شما با همسرتان چگونه است؟ برخورد شما در مواجهه با خواهرشوهرتان چگونه است؟ آیا حرف‌ها و یا دخالت‌های خواهرشوهرتان روی همسرتان تأثیر دارد؟ آیا همسر شما مردی وابسته به خانواده است و بدون مشورت با خانواده‌اش تصمیمی نمی‌گیرد؟ با توجه به این ابهام‌ها، برحسب وظیفه مطالب زیر را تقدیمتان می‌کنیم به این امید که بتواند گرهی از مشکل شما باز کند.

۲. خواهر گرامی؛ به دلیل رفتارهای ناخوشایند خانواده شوهرتان بار مضاعفی بر روابط خود با شوهرتان تحمیل ننمایید. هیچ‌کس دقیقاً همان چیزی نیست که می‌خواهیم. گاه ممکن است افراد با اعمالشان ما را ناامید کنند. یک رابطه سالم به این معناست که دیگران را به همان صورتی که هستند بپذیریم. شاید حق با شما باشد ولی حتی یک انتقاد محترمانه از خواهرشوهرتان ممکن است شوهرتان را ناراحت کند. اگر می‌خواهید در



دید همسران و خانواده‌اش بهترین باشید هرگز از آن‌ها ایراد نگیرید. بهتر است در این‌گونه مواقع انتظارات خود را به صورت صریح و شفاف و البته محترمانه با خود ایشان در میان بگذارید و اگر برای شما اهمیتی ندارد حتی از مطرح کردن آن با همسران پرهیزید. درست است که گاه به سنگ صبوری نیاز دارید، اما اگر موجب دلخوری همسران می‌شود از آن اجتناب کنید.

۳. همسر خود را در قبال رفتار و گفتار خواهر و یا فامیلش مقصر ندانسته و او را بابت این‌گونه موضوعات مؤاخذه نکنید. در حقیقت جا دارد برخلاف برخی از همسران جوان و بی‌تجربه که شریک زندگی خود را مسئول رفتارهای خویشاوندانش قلمداد می‌نمایند، عمل نکرده، بلکه منطقی بوده و روی این مسئله بیندیشید که همسر شما چقدر توانایی و اختیار دارد رفتار خویشاوندان خود را که باعث رنجش خاطر شما می‌گردد، تغییر دهد؟ از سوی دیگر آیا عاقلانه است که برای رفتار نامناسب خویشاوند همسر، رابطه عاطفی خود را با همسر از طریق گلایه و ... سست کرد؟

۴. هیچ‌گاه به صورت مستقیم به رفتارهای نادرست ایشان پاسخ ندهید. چون ممکن است باعث ناراحتی بیشتر و با لجبازی ایشان روبرو شوید. باید از زمینه بروز مشکلات و گلایه‌ها دوری کنید. چنانچه احساس می‌کنید او با



رفتارهای خود باعث کشمکش بین شما و همسرتان می‌شود؛ سعی کنید با درایت و مدیریت روابط خود با همسرتان از این کار جلوگیری کنید. بهانه دستشان ندهید. بررسی کنید از چه رفتارهایی گلایه کرده است. سعی کنید این بهانه‌ها را دیگر به دستش ندهید.

۵. خود را برای تحمّل برخی از رفتارهای ناشایست آماده نمایید؛ زیرا تشکیل زندگی بدون دردسر و گرفتاری نیست.

۶. حتماً باید با مشاور قوی و ماهر خانواده مشورت کنید تا به شما مشاوره دقیق و راهکارهای جزیی تری بدهند.

۷. با ایشان مانند خواهر خود رفتار کنید؛ محبت کلید مشکل شماست؛ بامحبت می‌توانید او را با خود همراه کنید. کافی است در برخی از مناسبت‌ها برای ایشان هدیه‌ای تهیه کنید و به وی تقدیم کنید.

۸. یکی از مهم‌ترین عوامل سازگاری و حسن تفاهم با خانواده همسر این است که آن‌ها به این احساس برسند که شخصیتشان مورد توجه و احترام است؛ از این‌رو خواهشمندیم چنین احساسی را از طریق رفتار و گفتارتان به آن‌ها منتقل نمایید؛ توصیه می‌شود تا می‌توانید نسبت به مادر و خواهرشوهرانتان محبت نمایید؛ زیرا انسان به‌طور طبیعی دوستدار کسی است که به او نیکی کرده و دشمن کسی است که درباره او بدی نموده است.



۹. نکته بسیار مهم حفاظت از اطلاعات خانوادگی است. یکی از کلیدی‌ترین راه‌ها برای حل مشکل، حفاظت از اطلاعات خانوادگی و رعایت شیوه دوری و دوستی در آمار و اطلاعات و رفت‌وآمد است؛ یعنی با همسران تفاهم کنید که از ارائه هرگونه آمار و اطلاعاتی که باعث ایجاد کدورت یا فتنه می‌شود یا باعث دخالت و دشمنی یا حسادت می‌شود دوری کند. هر چه از شما کمتر بدانند کمتر مشکل پیش می‌آید. اگر زیاد باهم بودن آن‌ها باعث ایجاد مشکل می‌شود سعی کنید بین آن‌ها دوری و دوستی را رعایت کنید. کمتر با همسران نزد خواهرش باشید و وقتی هم در مکانی باهم هستید، سعی کنید مدت حضور کم باشد تا کدورت پیش نیاید. البته در همه موارد باید توجه داشت که این خداوند است که قلب‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند، پس حتماً دعا را فراموش نکنید و از خدا بسیار کمک بخواهید. قطعاً شما را در این کار یاری خواهد کرد. در هر حال شما باید تلاش کنید اصلاح برقرار شود. اگر نشد با دوری و دوستی، زندگی‌تان را حفظ کنید و به خواهرشوهرتان نیز در حد توان کمک و احسان کنید. باز تأکید می‌کنیم که اختلاف‌های شما و خانواده همسران موجب سرد شدن روابط شما با شوهرتان نشود. سعی کنید نسبت به نعمت‌هایی که در اثر ازدواج با شوهرتان از آن برخوردارید همانند بستر مناسبی برای حفظ ایمان، موفقیت در ابراز



عاطفه نسبت به جنس مخالف و مورد محبت قرار گرفتن از سوی او که نیاز طبیعی هر انسانی است، تشکیل زندگی و خانواده مستقل و ... سپاس‌گزار بوده و از بی‌تابی نسبت به برخی سختی‌ها و مسائلی که با آن مواجه هستید، پرهیزید.

در انتها هدیه ما به شما طبق حدیثی که در ادامه خواهد آمد این جمله است که مدارا با دیگران زندگی را زیبا و دلپذیر می‌سازد. مدارا کن که مدارا در چیزی نباشد مگر آن را زینت دهد و در هر چه نباشد آن را خوار کند. (۱)
نتیجه:

حفظ کانون زندگی از مهم‌ترین ارکان اسلامی است. ما نمی‌دانیم علت مشکلات شما با خانواده همسران چیست؟ ولی وظیفه شما این است که ریشه و بستر و علت مشکلات را واکاوی کنید و اجازه ندهید بهانه‌ای برای کدورت و ناراحتی بین شما باشد. رابطه‌تان با همسران را تقویت کنید و ایشان را به خاطر رفتار خانواده‌اش ملامت نکنید. تلاش کنید با صحبت و مدارا و محبت به هر یک از دو طرف، یا با محافظت از اطلاعات خانوادگی، یا با استفاده از روش دوری و دوستی این تنش‌ها را کم کنید. دعا را فراموش نکنید که بسیار مؤثر است.



کلمات کلیدی:

خواهرشوهر، مادر شوهر، اختلاف، مشاجره، دعوا.

منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. ریشه‌یابی اختلافات خانوادگی همراه با: راه‌حل‌های آن، محمدرضا رامتین.

۲. تحکیم خانواده از منظر حقوق و اخلاق، عباسعلی اختری.

۳. مدیریت روابط همسران و خانواده، روح‌الله شمس‌ا و زهره حسین.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مجلسی، محمداقبر، بحارالانوار، انتشارات إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم،

۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۵۷.



۲. ارتباطات خانوادگی آسیب‌زا

پرسش:

خانواده دایی‌ام با تهمت و افترا سبب بر هم خوردن خواستگاری خواهرم شدند! قبلاً هم همین کار را کرده‌اند. خواهرم بسیار ناراحت است. به نظر شما اشکالی ندارد که کلاً قطع رابطه کنیم؟ چون از ارتباط با آنها واقعاً صدمه دیده‌ایم. ممنون که کامل و واضح توضیح می‌دهید.

پاسخ:

مقدمه:

پیوند با خویشاوندان یکی از اصول اخلاق اجتماعی است که در آموزه‌های اسلام بسیار به آن سفارش شده است. امام سجاد علیه السلام در بخشی از دعای خویش در ماه مبارک رمضان می‌فرمایند: خدایا به ما توفیق بده تا در این ماه رمضان صله‌رحم داشته باشیم و با خویشاوندان خود پیوند برقرار نماییم. (۱) در واقع صله رحم نعمتی الهی است که امام معصوم در دعای خویش توفیق بر انجام آن را از خداوند طلب می‌نماید و همین امر ارزش و اهمیت این موضوع را می‌رساند.



پیوندی عرفی:

بر انسان لازم است تا با نزدیکان خویش پیوند و رابطه داشته باشد و عدم ارتباطش به گونه‌ای نباشد که در عرف بگویند او قطع رابطه کرده است، البته این ارتباط نسبت به بستگان درجه اول و پدر و مادر ضرورت بیشتری دارد و بعد در ادامه نسبت به بستگان درجه دو یعنی عمه، عمو، خاله، دایی و فرزندان شان موضوعیت پیدا می‌کند لذا شخص، متناسب با نوع فامیل و مرتبه خویشاوندی و شرایط مکانی و میزان نزدیکی با آن‌ها موظف به صله رحم است.

اگر افراد فامیل اهل خوبی و مهربانی باشند خواه‌ناخواه ارتباط با آن‌ها لذت‌بخش است؛ اما چنانچه فامیل در حق ما ظلم و بی‌عدالتی روا داشته باشند در این شرایط نیز توصیه به قطع رحم نمی‌شود. اگرچه ظلم‌ها و بدی‌ها باعث کدورت می‌شود، اما خداوند مؤمنین را دعوت به بخشش نموده است؛ لذا از حیث اخلاقی توصیه می‌شود نسبت به خطای آن‌ها گذشت کنید و اجازه ندهید گناه آن‌ها، روابط خانوادگی شما را برهم زند و کینه و کدورت‌ها را افزون نماید. اختلافات و کینه‌ها اگر طولانی شود و زمان از روی آن بگذرد عمیق‌تر و ریشه‌دارتر خواهد شد؛ لذا بهتر است به محض ایجاد اختلاف سعی در رفع آن نمایید. طبیعتاً گذشت و عفو شما و



خانواده‌تان نزد خداوند گم نمی‌شود و خداوند این عفو را به بهترین شکل برای شما جبران خواهد کرد، مطمئن باشید که از معامله با خدا پشیمان نخواهید شد. در حقیقت قبل از اینکه شما آن‌ها را ببخشید با این تصمیم، خودتان مورد بخشش الهی قرار خواهید گرفت. قرآن می‌فرماید: **وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ**؛ باید مؤمنان عفو و چشم ببوشانند و از بدی‌ها درگذرند، آیا دوست نمی‌دارید که خدا هم در حق شما مغفرت (و احسان) فرماید؟ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲).

مصادیق متعدد ارتباط:

در رابطه با صلہ رحم اصل این است که انسان از فامیل خویش بی‌خبر نباشد و اهمیت این موضوع تا جایی است که حتی در روایات توصیه شده نسبت به فامیلی که از شما بریده و قطع رابطه کرده، رابطه برقرار سازید. نکته دیگر اینکه اگر ارتباط حضوری منجر به تجدید خاطره و ناراحتی شما می‌شود می‌توانید دیدارهای حضوری را هم از نظر تعداد دفعات کمتر و هم از لحاظ زمان حضور، کوتاه‌تر نمایید؛ اما درعین حال از سایر مصادیق ارتباط بهره ببرید.



صله رحم تنها به دیدار حضوری ختم نمی‌شود، بلکه تلفن زدن، پیامک، چت و ارتباط اینترنتی، رفع گره از کار فامیل، عیادت، قرض دادن، مشاوره دادن، هدیه دادن و ... از دیگر مصادیق کمک‌رسانی به فامیل است و شما می‌توانید کم کردن رابطه حضوری را با این مصادیق جبران نمایید. چه بسا همین رفت‌وآمد و گذشت شما نوعی امر به معروف و نهی از منکر عملی محسوب می‌گردد و باعث شرمساری آن‌ها شود. البته اگر قطع ارتباط شما منجر می‌شود تا آن‌ها نسبت به خطای خود آگاه شوند و دست از رفتار خود بردارند از باب نهی از منکر می‌توانید به‌طور موقت رابطه حضوری را قطع کنید.

فواید صله رحم:

صله رحم دارای آثار و فواید مادی و معنوی بسیار است به‌عنوان مثال در روایتی امام باقر علیه السلام فرمود: «صله ارحام، اعمال را پاک، اموال را افزون، بلاها را دفع، حساب را آسان می‌کند و اجل را به تأخیر می‌اندازد». (۳) یا در روایتی دیگر آمده است:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «صله رحم و پیوند با خویشاوندان و نیکی با همسایگان، خانه و شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند». (۴)



توجه به نبودن سوء تفاهم:

بسیاری از اختلافات فامیلی به‌واسطه سوء تفاهمات ایجاد می‌گردد، بنابراین دقت کنید که در این مسئله خدایی ناکرده دچار سوء تفاهم نشده باشید.

نتیجه:

صله‌رحم از دستورات مؤکد دین است و انسان نباید قاطع رحم باشد. اگر شرایط به‌گونه‌ای است که رفت‌وآمد با دیگران منجر به کینه و کدورت می‌شود حتی فامیل در حق انسان ظلم می‌کنند بازهم تا جایی که می‌شود نباید صله را قطع کرد، بلکه باید در حد ضرورت انجام گیرد حتی اگر به‌اندازه یک احوال‌پرسی کوتاه باشد؛ و اگر دیدار حضوری مقدور نبود باید از سایر مصادیق صله مثل تلفن زدن، ارتباط اینترنتی، رفع گره از زندگی آن‌ها، قرض دادن، مشاوره دادن و ... بهره برد. از کلام معصومان این‌گونه فهمیده می‌شود که صله‌رحم به سادگی ساقط نمی‌شود و تا جایی که می‌توان باید با تدابیر گوناگون سعی در برقراری ارتباط نمود ولو به شکل محدود و مدتی اندک.

کلمات کلیدی:

صله‌رحم، خویشاوندان، اخلاق معاشرت.



برای مطالعه بیشتر:

۱. وصال خویشان (چشم‌اندازی به صلہ‌رحم در آیات و روایات)، اقبال حسینی نیا.
۲. آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (علیهم‌السلام)، حر عاملی، ترجمه محمدعلی فارابی، یعقوب عباسی علی کمر.
۳. اخلاق معاشرت، جواد محدثی.

پی‌نوشت‌ها:

۱. علی بن الحسین امام چهارم، صحیفه سجادیه، قم، الهادی، ۱۳۷۶ ش، دعای ۴۴. «وَقَفْنَا فِيهِ لِأَنَّ نَصْلَ أَرْحَامِنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ».
۲. سوره نور، آیه ۲۲.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، محقق، مصحح، غفاری، علی‌اکبر، آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۵۰.
۴. همان، ص ۱۵۲. صَلَةُ الرَّحِمِ وَحُسْنُ الْجَوَارِ، يُعْمَرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ



۳. بی‌توجهی مرد به همسرش

پرسش:

ده سال است که ازدواج کرده‌ام، خیلی به همسرم وابسته هستم. اما ایشان مدام مرا باخانم‌های دیگر مقایسه می‌کند، ولی وقتی همان کار مثبت را من انجام می‌دهم اصلاً توجه نمی‌کند. مدام مرا سرزنش می‌کند و سرکوفت می‌زند. کلاً اعتماد به نفسم را ازدست داده‌ام. به نظرتان چه کنم؟ نه از غذایم تعریف می‌کند و نه از هنرها و سلیقه‌هایم. کلاً دیگران در چشمش بزرگ هستند و اصلاً مرا نمی‌بینند. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پاسخ:

مقدمه:

در دیدگاه اسلام هدف از ازدواج، رسیدن انسان به آرامش است؛ (۱) بنابراین زن و مرد بسیار توصیه شده‌اند از انجام اموری که منجر به برهم خوردن آرامش در زندگی زناشویی می‌شود، پرهیز نمایند. گاهی رفتار خود ما به گونه‌ای است که آرامش را در زندگی تخریب می‌کند و گاه رفتار طرف مقابل، آرامش زندگی را به چالش می‌کشد. در هر یک از این دو حالت هم زن و هم مرد موظف‌اند تا برای ترمیم زندگی تلاش کنند چراکه بی‌توجهی به مشکلات کوچک، مصائب بزرگ‌تری را رقم خواهد زد.



اینکه زن و مرد یکدیگر را با سایر افراد مقایسه می‌کنند ممکن است ریشه‌اش در ویژگی‌های شخص مقایسه کننده باشد یا حتی به شخصیت شخص مقایسه شونده بازگردد؛ یعنی وقتی همسران شمارا با زنان دیگر مقایسه می‌کند نمی‌توان صد درصد گفت که ریشه این قیاس به خود ایشان برمی‌گردد، بلکه ممکن است علت این رفتار به شما هم برگردد، پس باید بررسی دقیقی نمود و ریشه‌اش را یافت؛ اما به‌طور کلی در رابطه با مقایسه کردن می‌توان به عوامل زیر اشاره نمود:

ایده آل‌گرایی:

برخی از افراد شخصیتشان به‌گونه‌ای است که اصلاً خودشان یا همسرشان را قبول ندارند، اما کافی است همان رفتار یا استعداد و توان را در دیگری ببینند. تصور می‌کنند که دیگران با استعداد و پرتوان‌اند و خود یا همسرشان سراپا ناتوان. این ویژگی به خاطر شخصیت ایده آل‌گرایی یا کمال‌گرایی افراد است و ریشه در تربیت آن‌ها و حتی کودکی‌شان دارد.

تعریف موفقیت:

موفقیت ممکن است برای هرکسی تعریفی داشته باشد. مثلاً همسر شما زن موفق را زنی می‌داند که فلان استعداد را داشته باشد یا در فلان زمینه مهارت کسب کرده باشد. بر شما لازم است تا با تلاش خود تعریف ایشان را از



موفقیت تغییر دهید. لازمه این کار این است که شما به استعدادهای درونی خود توجه بیشتری کنید و زمینه را برای بروز استعدادهای تان فراهم کنید. علاوه بر این اگر همسر تان امری را موفقیت تلقی می‌کنند و شما توان رسیدن به آن را دارید برایش زحمت بکشید. مثلاً خانمی توانایی پختن کیک دارد و همسر شما این استعداد او را نوعی موفقیت می‌داند شما نیز اگر توانایی و شرایطش را دارید سعی کنید همان استعداد را در وجود خودتان پرورش دهید.

خودباوری:

تا وقتی شما خودتان، خودتان را باور نداشته باشید طبیعتاً نمی‌توانید همسر تان را باورمند نمایید. باید با پرورش استعدادهای خود و کسب موفقیت ولو موفقیت‌های کوچک و جزئی هم به خودتان و هم به ایشان اثبات نمایید که کم از دیگران ندارید. ابتدای پرسش تان را با جمله «خیلی به همسرم وابسته هستم» شروع کردید و این خود نشان از عدم اعتماد به نفس شما دارد. باید اعتماد تخریب شده را ترمیم کنید و به خودتان بیایید. شما توانمندید فقط کافی است تلاش کنید و خودتان را باور نمایید.



تکیه بر نقاط قوت:

هر آنچه در آن موفق هستید و جزء نقاط مثبت و قوت شما محسوب می‌شود را بر زبان بیاورید. تعریف کردن از خود امر ممدوحی نیست اما اگر شما توانمندی‌های خود را مقابل همسران بر زبان آورید و گاهی لابه‌لای صحبت‌ها از توان و استعداد خود پرده بردارید ایشان متوجه نقاط قوت شما خواهند شد. حتی می‌توانید از یکدیگر بخواهید که هرکدام از شما نقاط قوت دیگری را روی کاغذ بنویسد و آن را نزد خود داشته باشید و چند روز یک‌بار آن‌ها را مرور کنید.

تقویت رابطه کلامی:

رابطه کلامی خود را با ایشان تقویت کنید و در رابطه با مسائل زندگی به گفتگو بپردازید. توصیه می‌شود از حیث گفتار با ایشان صمیمی‌تر شوید. می‌توانید به ایشان بگویید که در منزل قرار بگذاریم برای گفتگو در مورد مسائل مختلف زندگی روزی پانزده دقیقه با همدیگر حرف بزنیم. اگر این گفتگو به‌طور مستمر و هرروزه انجام شود کم‌کم باب صحبت در مورد مسائل مهم زندگی باز می‌شود و می‌توانید در رابطه با مقایسه کردن و آسیب‌های آن و حتی همین حس ناراحتی خود با ایشان صحبت کنید. البته روزهای اول موضوع را به سمت نصیحت و تذکر نبرید؛ بلکه تنها از محبت و عشق



و عاطفه حرف بزیند تا این گفتگوی کوتاه برای ایشان دل‌چسب شود و در روزهای بعدی سایر موضوعات را وارد این گفتگو کنید. در مورد توقعاتش از شما با ایشان صحبت کنید. ببینید چه توقعی از شما دارند و بر اساس همان توقعات (منطقی) برنامه‌ریزی کنید و تلاش خود را برای عملی کردن آن‌ها مضاعف نمایید.

ثابت کردن عشق:

اگر انسان‌ها عشقی خالصانه و بدون توقع از یکدیگر دریافت کنند خواه‌ناخواه بازتاب این عشق، محبت و مهربانی و تعریف و تمجید خواهد بود؛ بنابراین برای اینکه همسرتان خوبی‌ها و استعدادهای شما را ببیند باید عشق خالص خود را به ایشان ثابت نمایید. از طریق مهر و محبت و بذل عواطف و ابراز زبانی و عملی «دوستت دارم» این عشق را به او ثابت کنید. نیازهای بی‌پاسخ:

گاهی برخی از حرف‌های مردان به همسرانشان به معنی این نیست که آن‌ها را دوست ندارند و یا توانمندی آن‌ها را نمی‌بینند، بلکه نشان‌دهنده نیازهای پاسخ داده نشده است.

درواقع همسرتان هم شما را دوست دارند و هم می‌دانند که هنرمندید و استعداد دارید منتها ممکن است مثلاً از حیث عاطفی یا جنسی کمبودهایی



داشته باشند و این ادبیات شان بازتاب همان کمبودها باشد. لذا در برقراری رابطه عاطفی و توجه به نیازهای جنسی ایشان اهتمام بیشتری بورزید. یا به‌عنوان مثال ایشان نیاز به توجه و احترام فراوانی دارند و آن را به حد کافی از جانب شما دریافت نمی‌کنند به همین دلیل مقایسه‌ها نوعی رفتار اعتراض‌آمیز است نسبت به عملکرد شما.

پذیرش انتقاد:

گاهی مقایسه کردن‌ها منصفانه نیست، اما برخی از مواقع نقدی به رفتار شما وارد است و همسران با مقایسه کردن می‌خواهند رفتار شما را نقد کنند. اگرچه روش نقدشان صحیح نیست، اما ممکن است اصل نقد بجا و درست باشد. پس انتقادپذیر باشید و هر جا احساس کردید اشتباه از شماست بپذیرید و درستش کنید.

ممنوعیت مقابله به مثل:

حواستان باشد برای رهایی از این مشکل سراغ انتقام گرفتن و مقابله به مثل نروید. اگرچه از رفتار ایشان ناراحت می‌شوید؛ اما چنانچه بخواهید مثل ایشان رفتار کنید و شما هم همسران را با سایر مردان مقایسه کنید این مشکل قابل حل تبدیل به یک معضل لاینحل خواهد شد.



مراجعه به مشاور:

اگر برایتان مقدور است حتماً از طریق مشاوره حضوری موضوع را دنبال کنید. تا وقتی همسران نسبت به عواقب این مقایسه کردن‌ها بی‌اطلاع باشند ممکن است به رفتار خود ادامه دهند؛ بنابراین اگر اهل منطق هستند بهتر است ایشان را راضی کنید و نزد مشاور متدین و متعهد بروید تا از زبان یک مشاور آسیب‌های این قیاس را بشنوند.

نتیجه:

مقایسه کردن همسران لزوماً به این معنا نیست که او به شما علاقه ندارد، بلکه گاهی ریشه این مقایسه‌ها کمال‌گرایی است و گاهی نیز ممکن است ریشه‌اش به نوع تربیت یا حتی مشکلاتی که در طول زندگی تحمل کرده‌اند بازگردد. مقایسه کردن می‌تواند نشان‌دهنده این امر باشد که همسر شما درخواست تغییر و اصلاح رفتار شما را دارد؛ بنابراین از طریق برقراری ارتباط کلامی، توجه به استعدادهاى خود، تلاش برای شکوفایی توانمندی‌های تان، باور نمودن خود، تکیه بر نقاط قوت، ابراز عشق و علاقه، توجه به نیازهای ایشان و درنهایت اگر موضوع حل نشد از طریق مراجعه به مشاوره حضوری مشکل خود را حل نمایید. سعی کنید با گفتگو با ایشان تعریف موفقیت را از نگاه ایشان دریابید و چنانچه تعریف او از موفقیت



منطقی است با تلاش بیشتر خود را به آن تعریف نزدیک نمایید. طبیعتاً مشکل شما با افزایش مهارت و آشنایی با شیوه حل تعارضات در زندگی مشترک، آموزش شیوه همسررداری، مراجعه به مشاور و همچنین بهره بردن از گذشت و عفو در کنار دعا و توسل از ائمه حل خواهد شد. پس به تلاشتان ادامه دهید.

کلمات کلیدی:

روابط زوجین، مقایسه کردن، تعارض همسران.

معرفی منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. محمد پور، احمدرضا و همکاران، مدیریت تعارض همسران.
۲. محمدی هوشیار، علی، به همسران نگوید! سبک گفتگوی اسلامی در زندگی زناشویی.
۳. یونسی، سید جلال، مدیریت روابط زناشویی: آسیب‌ها و راه‌حل‌ها در روابط زناشویی.

پی‌نوشت:

۱. سوره روم، آیه ۲۱.



۴. حقوق زن و مرد در روابط خانوادگی

پرسش:

می‌گویند قرآن بین زن و مرد تفاوت قائل نشده است و مساوی هستند؛ پس چرا من باید برای رسیدگی به وضع والدین پیرم از همسرم اجازه بگیرم و ایشان هم اجازه نمی‌دهد. مگر من اسیر هستم؟ چرا من آزادانه نمی‌توانم هر وقت خواستم بروم به والدینم محبت و خدمت کنند. آن‌ها به من نیاز دارند، اما همسرم راضی نیست. چرا من باید از ثواب خدمت به پدر و مادرم محروم باشم؟ آیا این عدالت است؟

پاسخ:

مقدمه:

در دین اسلام هدف این است که انسان به سعادت برسد، به همین دلیل قوانین و احکام الهی نیز بر مبنای این هدف تعیین شده است. حقوق و تکالیفی که بر عهده هر یک از زن و مرد گذاشته شده متناسب با شباهت‌ها و تفاوت‌های تکوینی زن و مرد است؛ یعنی هر جا زن و مرد از حیث ویژگی‌ها مشترک بوده‌اند حقوق و وظایف مشترک و هر جا از حیث ویژگی‌ها دارای تفاوت بوده‌اند حقوق متفاوتی برایشان در نظر گرفته شده است.



اشتراک در انسانیت:

قرآن می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا؛** از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد. (۱) این آیه بیانگر این است که زن و مرد در ماهیت انسانی مشترک‌اند و باهم فرقی ندارند.

اشتراک در رسیدن به کمال:

از دیگر ویژگی‌های مشترک زن و مرد این است که هر دو قادرند از طریق عبودیت و بندگی خدا به کمال برسند و این راه برای هر دو باز است. قرآن در رابطه با حضرت مریم می‌فرماید: **وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتَ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ مِنَ الْقَائِمِينَ؛** و همچنین به مریم دختر عمران که دامن خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود! (۲)

اشتراک در تکالیف الهی:

بسیاری از تکالیف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی بین زن و مرد یکسان است و هر دو موظف به انجامش هستند و در این زمینه هیچ تفاوتی میان



مرد و زن نیست. در قرآن آمده است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ؛** ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده (۳) این بدان معناست که تکلیف الهی روزه هم بر مرد و هم بر زن واجب است و تفاوتی باهم ندارند.

اشتراک در حق مالکیت:

زن و مرد هر دو دارای حق مالکیت هستند و از استقلال اقتصادی بهره‌مندند. در قرآن آمده است: **لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ** ؛ مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ‌یک پایمال گردد)(۴).

توجه قانون‌گذار به تفاوت‌ها:

وقتی قرار است قانونی الهی برای انسان‌ها ایجاد شود این قانون زمانی قانون دقیق و عمیقی خواهد بود که زن و مرد را همراه با ویژگی‌های تکوینی آن‌ها مدنظر قرار دهد. اگر قرار باشد قانون‌گذار برای همه قوانین مشابهی در نظر بگیرد نوعی ظلم اتفاق می‌افتد. فرض کنید شما یک دختر و یک پسر دارید. آیا اگر بخواهید مادر عادل باشید باید برای هر دوی آن‌ها لباس دخترانه بخرید؟ و وقتی دلیلش را پرسیدیم بگوییم من عادل و فرقی بین بچه‌ها نمی‌گذارم؟! طبیعتاً این عدالت نیست، بلکه عدالت بدین معناست که برای



هر کس متناسب با ظرفیت و شرایط و ویژگی‌هایش تکلیف در نظر گرفت و بر اساس همان تکالیف از او مسئولیت خواست و به او نیز حقوقی را اختصاص داد. بنابراین زن و مرد هم به دلیل دارا بودن اختلافات طبیعی و تکوینی حقوق و تکالیف متفاوتی دارند. با توجه به اینکه هدف نظام حقوقی اسلام تأمین مصالح جامعه و رفع مفاسد در اجتماع است توجه به تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد در این نظام امری عقلانی و بر پایه منطق است.

مدیریت خانواده:

با توجه به اهمیت نظام خانواده خواه‌ناخواه این نظام نیازمند مدیریت است و رها کردن خانواده بدون وجود مدیر و مسئول طبیعتاً نتایج خوبی را به بار نخواهد آورد. زن و مرد هر دو باید در کنار هم محیط خانواده را به محیط امن و همراه با آرامش تبدیل کنند؛ بنابراین اگر حقی به مرد داده می‌شود به این معنا نیست که مجاز باشد از حق خود سوء استفاده کند و به زورگویی اقدام نماید. با توجه به اینکه مرد مسئول تأمین مخارج زندگی است و توانایی او در برخی مسائل بیشتر است و تلاش و کوشش او برای رفع نیازهای خانواده افزون‌تر است سرپرستی خانواده به او داده‌شده؛ اما این سرپرستی مزیتی برای او نیست، بلکه یک وظیفه است که باید به‌خوبی به انجام رساند.



اذن شوهر:

دقت کنید که نیازمند بودن به اذن شوهر برای خروج از منزل به شکل مطلق نیست. مثلاً اگر زن بخواهد امر واجبی را انجام دهد مثل حج واجب و (بنابر نظر برخی مراجع) صله رحم نسبت به والدین البته به مقدار لازم و در حد ضرورت، نیازمند اذن شوهر نیست. همچنین درجایی که زن برای آموزش و یادگیری احکام و معارف الهی بخواهد از منزل خارج شود نیاز به اذن ندارد.

علاوه بر این زمانی که زن نیازمند تهیه اجناس ضروری برای منزل است و شوهر آن‌ها را تهیه نمی‌کند و هیچ‌کس دیگری هم نیست تا مایحتاج ضروری زندگی را تأمین کند، بنابر نظر برخی از مراجع زن می‌تواند بدون اذن همسر از خانه خارج شود. مراجعه به طبیب و هر آنچه مورد نیاز زن است و زن بدون آن گرفتار زحمت می‌شود از دیگر مصادیقی است که نیاز به اذن ندارد. یکی از حکمت‌های اینکه اذن خروج از منزل به شوهر داده شده می‌تواند این باشد که برخی از زنان ممکن است دائماً و گاه و بیگاه از منزل خارج شوند و این خروجشان منجر به کوتاهی در وظایفشان گردد به گونه‌ای که نه به درستی شوهرداری کنند و نه فرزند داری. اسلام برای جلوگیری از این



مشکل اختیار خروج زن از منزل را به مرد داده است. البته همان طور که اشاره شد این اذن مطلق نیست و استثنائات هم دارد.

هر کس عامل تر، سعادتمندتر:

همان گونه که تبیین شد حقوق و تکالیف بر مبنای حکمت الهی تعیین شده است و خداوند هرگز به بندگان ظلم نمی کند چراکه او عادل مطلق است. هر انسانی اعم از زن یا مرد تکالیف خود را به بهترین شکل انجام دهد به قرب الهی نائل می گردد. مردان موظف اند نفقه و خرجی همسر و فرزندان خود را بپردازند. زنان نیز لازم است همسران خویش را تمکین نمایند؛ بنابراین اگر شما به وظایف شرعی و اخلاقی خود عمل کنید مسیر تقرب را برای خود باز کرده اید و اگر همسران عامدانه مانع صلح رحم شوند گناهی بر گردن شما نیست و ایشان خودشان باید مقابل خدا پاسخگو باشند. دقت کنید که تلاش در جهت حفظ آرامش در زندگی ثوابش کمتر از خدمت به والدین نیست و شما اگر برای حفظ زندگی و تأمین آرامش در برابر خواسته های همسران کوتاه بیایید اجرتان نزد خداوند محفوظ خواهد بود.

معنای تمکین:

البته تمکین دارای دو معنای عام و خاص است. منظور از تمکین خاص این است که زن برقراری رابطه جنسی با همسر را بپذیرد و مگر در مواقعی که



مانع موجهی وجود دارد، از برقراری رابطه سرباز نزنند؛ و منظور از تمکین عام این است که زن وظایف خود را نسبت به همسر انجام دهد و ریاست شوهر را در خانه بپذیرد. وقتی عقد ازدواج خوانده شده و زن به این ازدواج به اصطلاح «بله» گفته است یعنی خود را متعهد کرده که به وظایفش در این زندگی عمل کند. عقد ازدواج اولویت‌ها را برای انسان تغییر می‌دهد شاید قبلاً افراد دیگری اولویت انسان بودند، اما ازدواج باعث می‌شود تا زن، همسر و فرزندانش را در اولویت قرار دهد. لذا توجه به خواسته شوهر امری اخلاقی است؛ البته به شرطی که درخواست‌های شوهر از سر لجبازی نباشد. علاوه بر این هنگامی که پدر و مادری فرزند خود را به عقد دیگری درمی‌آورند خواه‌ناخواه می‌پذیرند که مسئولیت و اختیار دخترشان با شخص دیگری است و باید با این موضوع کنار آیند البته منظور از تمکین عام هم پیروی مطلق و بی‌چون و چرا نیست، اما بهتر است با محبت و مهربانی ایشان را متقاعد کنید که والدین شما به کمک نیاز دارند و لازم است شما بیشتر به آن‌ها سر بزنید.

نتیجه:

در نگاه اسلام خانواده از جایگاه بالایی برخوردار است و هر آنچه به تأمین آرامش خانه و خانواده کمک کند مورد توجه دین قرار گرفته و آنچه آرامش



این نهاد را بر هم زند مذمت شده است. با توجه به آنچه نوشته شد در اسلام زن از حیث انسانیت با مرد اشتراک دارد. هر دو انسان‌اند و رسیدن به کمال برای هر دو مقدور. زن همچون مرد از استقلال اقتصادی و اجتماعی و سیاسی نیز بهره‌مند است. از دیگر سو وظایف و تکالیف الهی متناسب با ویژگی‌های تکوینی زن و مرد در نظر گرفته می‌شود و اگر تفاوتی در تکالیف و حقوق است این تفاوت به تفاوت در ویژگی‌های زن و مرد برمی‌گردد و ربطی به انسانیت آن‌ها ندارد. قانون‌گذار حقیقی باید اختلافات را در نظر بگیرد و بر اساس آن‌ها قانون تعیین کند تا اجحافی در حق کسی رخ ندهد و الا قانون یکسان برای همه بدون هیچ اختلافی خودش نوعی بی‌عدالتی تلقی می‌گردد. دادن حق اذن خروج از منزل به مرد به معنی مطلق بودن آن نیست و مرد حق ندارد از این اذن سوء استفاده کرده و به همسرش ظلم نماید و سختگیری تنها درجایی لازم است که خروج زن از منزل منجر به تضییع حقوق مرد و یا فرزندان گردد و مشکلات خانوادگی و یا اجتماعی ایجاد نماید.

کلمات کلیدی:

حقوق، حق زن، حق مرد، اذن خروج از منزل، تمکین، عدالت.



منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. حقوق زن از دیدگاه قرآن کریم، محمد بیستونی.
۲. حقوق زن در اسلام، زهرا عظیمی.
۳. نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره نساء، آیه ۱.
۲. سوره تحریم، آیه ۱۲.
۳. سوره بقره، آیه ۱۸۳.
۴. سوره نساء، آیه ۳۲.



۵. حقوق متقابل والدین و فرزندان

پرسش:

حقوق والدین بر فرزندان چیست؟ و حقوق فرزندان بر والدین چیست؟ چرا در قرآن این همه بر احترام و احسان به والدین تأکید شده است، ولی از حقوق فرزندان خبری نیست؟ چرا این بی‌عدالتی‌ها وجود دارد که والدین هر کار دلشان خواست انجام دهند، در عین حال احترامشان هم واجب باشد؟

پاسخ:

مقدمه:

اجتماع انسانی متشکل از حقوق و وظایف افراد گوناگون در قبال یکدیگر است که با رعایت این حقوق، بسیاری از مشکلات جامعه حل گشته و زندگی افراد در جهت صلح و آرامش سوق پیدا می‌کند. عقل و فطرت سلیم بشری حکم می‌کند که انسان دارای حقوقی است و در یک خانواده که اساسی‌ترین رکن جامعه است هم والدین و هم فرزندان مسئول هستند که در این مورد برای شما توضیحاتی می‌دهیم:

۱. ظاهراً اطلاعات شما ناقص است و تصور شما از بی‌عدالتی نادرست است. این تصور که والدین بی‌مسئولیت‌اند و خدا از آن‌ها چیزی نخواست



نادرست است. پیش از آنکه والدین بر فرزند خود حقی پیدا کنند، حق فرزند نسبت به والدین پدید می‌آید و بر آنان است که چون باغبانی دلسوز در پرورش این گل‌های زیبای زندگی بکوشند. زمانی که والدین وظایف خود در قبال فرزندان خویش از جمله تربیت صحیح و آموزش احکام الهی را به‌خوبی انجام دهند، نتایج اعمال خود که فرزند صالح و نیک است را مشاهده خواهند نمود. در قرآن نیز وظایفی برگردن والدین برای فرزندان ذکر شده است. از جمله اینکه: همه فرزندان، هدیه خدا هستند و باید خدای رزاق را بدین جهت شاکر بود. (۱) وظیفه مادر در شیر دادن به نوزاد تا دو سال (۲) و جوب حفظ جان فرزند و حرمت کشتن او به‌خصوص به علت فقر (۳) تلاش برای نجات فرزندان از خطرهای جانی و اخلاقی (۴) مراقبت بر نمازخواندن فرزندان (۵) اصلاح و رشد‌گرایش‌های اعتقادی فرزند با پند و اندرز (۶) آموزش احکام شرعی (۷) آموزش رفتارها و روحیات صحیح اخلاقی (۸) مشورت کردن با فرزندان و توجه به دیدگاه‌های آنان (۹) پرهیز از افراط در محبت (۱۰) توجه به آینده فرزندان و امنیت آن‌ها (۱۱) در روایات نیز حقوق والدین زیاد ذکر شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «و حق فرزند بر پدرش این است که نام نیک برایش انتخاب کند و خوب تربیتش نماید و قرآن را تعلیمش دهد.» (۱۲) روایات دیگری نیز در این



باب هست. اساساً همان‌طور که در مفاهیم اخلاقی «عاق والدین» مطرح شده «عاق فرزند» هم مطرح است. رسول خدا ﷺ در وصیت خود به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «همان‌طور که فرزند عاق پدر و ماد می‌شود پدر و مادر نیز عاق فرزند می‌شوند.» (۱۳) پس این تصور شما که در اسلام بی‌عدالتی در مورد فرزندان شده و حقوقی ندارند اشتباه است و این البته بخشی از حقوق فرزندان است که ذکر شد. مراعات حقوق فرزندان که اسلام بزرگ‌ترین هوادار آن است هم ضامن سعادت دنیا و آخرت والدین و فرزندان‌شان است و هم موجب سلامت جامعه بشری می‌گردد.

۲. بله والدین هم حقوقی برگردن فرزند دارند که حتماً شنیده‌اید و چون این قسمت زیاد بیان می‌شود ممکن است تصور شود، فقط در اسلام در مورد احترام آن‌ها تأکید شده است؛ بنابراین چون به روایات زیاد و معارف الهی در مورد احترام به والدین که در قرآن و روایت آمده مطلع هستید، نیازی به ذکر حقوق والدین بر گردن فرزندان نمی‌بینم. ولی در مورد چرایی و فلسفه تأکید بر حقوق والدین باید بدانید که احترام، احساس و رفتاری است که افراد به تناسب شایستگی‌های دیگران انجام می‌دهند. احترام به مادر به‌عنوان کسی که از ابتدایی‌ترین ثابیه‌های وجود شما همواره کنارتان بوده و برای بالندگی شما زحمت‌کشیده، پررنگ‌ترین نمونه احترام است که اغلب



افراد به آن پایبند هستند. والدین به جهت اینکه به ما حق حیات دادند و سبب مستقیم و مباشر بالاترین نعمت یعنی وجود و حیات هستند و از اولین لحظه انعقاد نطفه تلاش‌ها و زحمات فراوانی متحمل شدند و فداکاری‌های بسیار برای ما کردند، شایسته احترام و سپاسگزاری هستند. از طرف دیگر در جهان‌بینی الهی، عالم طوری خلق شده که با احترام به آن‌ها خدا به ما عنایت‌ها می‌کند، بهره‌مندی از دعای خیر آن‌ها، ایجاد برکت در زندگی، طول عمر و از همه رضوان و بهشت الهی از برکات احترام به والدین است. پس احترام به آن‌ها حتی اگر کم‌کاری کرده باشند یا قصوری داشته باشند، فایده و برکتش به خود ما برمی‌گردد. کسی که جهان‌بینی‌اش الهی است حتماً در احترام به والدین کوتاهی نمی‌کند چراکه می‌داند سود این کار به خود او بر می‌گردد.

۳. البته در بسیاری اوقات بین جوانان و بزرگسالان مخصوصاً والدین اختلاف به وجود می‌آید و این اختلاف‌ها ناشی از چند امر است: گاهی اوقات اختلاف بین آن‌ها ناشی از سلیق آن‌هاست. طبیعی است روحیه جوان اقتضائاتی دارد و روحیه والدین که حداقل یک نسل با آن‌ها فاصله دارد اقتضائات دیگری و این امری طبیعی است و باید هم والدین و هم جوانان مراعات همدیگر را بکنند و این اختلاف‌سلیقه‌ها را به همه امور



زندگی تعمیم ندهند. گاهی اختلافات ناشی از عدم درک متقابل یکدیگر است یعنی نه والدین جوانان را درک می‌کنند و نه جوانان شرایط پدر و مادر را درک می‌کنند در اینجا نباید یک‌طرفه مثلاً جوانان فقط والدین را متهم کنند به اینکه آن‌ها قدیمی هستند و ما جوانان را درک نمی‌کنند، بلکه خود جوانان نیز همین مشکل را دارند. گاهی اوقات اختلاف میان جوانان با والدینشان جنبه روان‌شناختی دارد به این معنا که والدین به دلیل عدم آگاهی از روان‌شناختی جوان و عدم شناخت این حقیقت که جوانان دارای روحیه استقلال‌طلبی هستند و از دوران اخلاق تبعیت از دیگران خارج شده‌اند در اینجا والدین توقع دارند که جوانان تابع محض آن‌ها باشند و در مقابل حرف والدین هیچ‌گونه اظهارنظری نکنند و مقلد محض باشد حتی گاهی اوقات والدین با تعصب و سختگیری می‌خواهند به جوان بگویند تو نمی‌فهمی و باید تابع بزرگسالان باشی. اینجاست که درگیری بین جوانان و بزرگسالان آغاز می‌شود و مشکلات و مخاطرات جدی نیز به دنبال دارد. وظیفه جوانان در مقابل والدین این است که احترام آن‌ها را حفظ کنند و در مواردی که اختلاف سلیقه یا اختلاف در سطح دانش و فهم وجود دارد تا آنجایی که امکان دارد با آن‌ها هماهنگ باشند و هرکجا اشتباه آن‌ها کاملاً آشکار و روشن است با حفظ حرمت آن‌ها ما کار خودمان را بر اساس فهم خودمان



انجام دهیم. مراجعه به مشاوره در اوقاتی که تفاهم مشترک و مدارا امکان ندارد بسیار مؤثر است.

نتیجه:

بنابراین با توضیحاتی که داده شد هیچ‌گونه تبعیضی بین دستورات اسلام نیست. همان اسلامی که تأکید دارد به والدین خود احترام بگذارید و تأکید کرده که فرزندان نیز حقوقی دارند که اگر والدین به آن عمل نکنند عاق می‌شوند. البته احترام والدین نیز لازم است و هم به خاطر زحمات و فداکاری بی‌شمار آنهاست. حداقل جوانمردی و انصاف آن است که به پاس آن همه فداکاری احترام والدین حفظ شود علاوه بر این که بر اساس جهان‌بینی الهی خیر این رفتار و احترام به والدین به خود فرزند بازمی‌گردد. در موارد اختلاف با والدین بر اساس اختلاف سلیقه یا عدم تفاهم باید علاوه بر مدارا و تحمل می‌توانید از مراجعه به مشاور هم استفاده کنید تا رفتار بهتری نشان دهید و آرامش بیشتری داشته باشید.

کلمات کلیدی:

احترام، والدین، فرزندان، حقوق، حقوق والدین، حقوق فرزندان.



منابع بیشتر برای مطالعه:

- حقوق متقابل والدین و فرزندان، عبدالکریم پاک نیا.
- احترام به والدین، محمد انجوی نژاد.
- حقوق متقابل والدین و فرزندان، سید حسن اسعدی.
- خانواده و حقوق فرزندان از منظر قرآن و احادیث، سید حسین سجادی بافقی.
- حقوق والدین و فرزندان، احمد صادقی اردستانی.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره شوری، آیه ۴۹.
۲. سوره بقره، آیه ۲۳۳.
۳. سوره اسراء، آیه ۳۱.
۴. سوره هود، آیه ۴۲.
۵. سوره طه، آیه ۱۳۲.
۶. سوره لقمان، آیه ۱۳.
۷. سوره لقمان، آیه ۱۷.
۸. سوره لقمان، آیه ۱۸ و ۱۹.
۹. سوره قصص، آیه ۲۶.
۱۰. سوره منافقون، آیه ۹.
۱۱. سوره ابراهیم، آیه ۳۵.



۱۲. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۴۶.
۱۳. شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۴۸۳.



۶. طلاق همسر به درخواست مادر

پرسش:

من آقای ۲۷ ساله هستم که دو سال است با خانمی ازدواج کرده‌ام و بچه نداریم. مادرم با همسر من از نظر سلیقه و اخلاق، به شدت اختلاف دارند. ایشان از من می‌خواهد همسر من را طلاق دهم. من هیچ مشکلی با همسر ندارم و با هم خوب هستیم ولی متأسفانه خانواده به هیچ وجه سازگار نیستند! آیا در اینجا حرف مادرم مقدم است یا نظر خودم؟ آیا می‌توانم همسر را به خاطر اطاعت از مادرم طلاق بدهم؟

پاسخ:

مقدمه:

انسان‌ها با ازدواج دایره ارتباطات و همچنین تعداد اعضای خانواده‌شان افزایش پیدا می‌کند، به دنبال آن میزان گفتگوها، روابط و رفتارهایی که ممکن است فرد از آن‌ها خوشحال یا ناراحت شود نیز بیش از زمان مجردی می‌شود. زن و شوهر برای ایجاد یک رابطه بدون تنش با خانواده یکدیگر که اثرات آن در زندگی زوجین بیشتر خواهد بود نیاز به مدیریت روابط هستند. توقعات نابجا یا دخالت‌ها یا رفتارها و صفات ناشایست در طرفین ممکن است زندگی را به تنش‌های متعدد حتی توقع طلاق همسر یا قطع



ارتباط با مادر بکشاند. در ادامه توضیحاتی ارائه می‌کنیم که وظیفه‌تان در این موضوع را بهتر متوجه شوید.

انسان هم در برابر والدین و هم در برابر همسرش مسئول است. در مقابل هر دو وظیفی دارد. خداوند متعال مقام بسیار بلندی برای پدر و مادر نسبت به فرزندان قرار داده است. در آیات قرآن، به این مقام والا اشاره شده است. «و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن‌ها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن‌ها روا مدار! و بر آن‌ها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آن‌ها بگو.» (۱) این بیان خداوند و قرار دادن والدین در کنار خودش دلالت بر عظمت ایشان و مقام بالایی آن‌ها دارد و لازم است فرزندان آنان را تکریم کنند و تکالیف خود را نسبت به آنان به خوبی انجام دهند. از طرف دیگر زن نیز بر عهده شوهر حقوقی دارد و باید احترامش حفظ شود و مرد باید کانون خانواده‌اش را گرم نگه دارد و حق ندارد زندگی‌اش را خراب کند. یکی از مهم‌ترین اصول خانوادگی در اسلام حفظ خانواده است. حفظ آبرو و شخصیت زن در غیاب و حضورش از وظایف شوهر است. قرآن در این باره می‌فرماید: زنان لباس شما و شما نیز لباس عفت آن‌ها



هستید. (۲) همان‌طور که لباس، انسان را از سرما و گرما و زشتی‌ها حفظ می‌کند، مرد نیز باید حافظ آبروی همسر باشد.

با توجه به اهمیت کانون خانواده در اسلام، به‌هیچ‌عنوان لازم نیست که به خاطر والدین، کسی همسرش را طلاق دهد. طبق روایات، طلاق، نزد خداوند مبعوض‌ترین حلال است (۳) و دستور والدین، دلیل ناموجه است درحالی‌که طرفین از هم راضی هستند و باهم مشکلی ندارند؛ بنابراین لازم نیست به حرف مادر گوش کنید و خواسته‌اش را عملی کنید. این خواسته مادر، خلاف رضای الهی است و هیچ‌وقت نباید درجایی که خدا راضی نیست یا معصیت خدا در میان است از والدین اطاعت کرد. اگر مادر از فرزند خود خلاف شرع را بطلبد، به این صورت که از نفوذ خود در فرزند استفاده کند و فرزندش را مخیر بین خود و همسر کند تا فرزند مجبور به انتخاب مادر شود، حتماً در حق همسر بی‌گناه خود، ظلم کرده است. در این موارد طبق آیات و روایات فرزند مجبور به اطاعت امر مادر نیست و می‌تواند از اطاعت امر مادر سرباز بزند. قرآن در این باره می‌فرماید: «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند و اگر آن دو (مشرک باشند) و تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری، از آن‌ها پیروی مکن» (۴).



امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «اطاعت از مخلوق (هر کس که باشد) در انجام معصیت الهی پذیرفتنی نیست» (۵). در بیان امام حسین علیه السلام نیز آمده که «رستگار نمی‌شوند اقوامی که به بهای غضب خدا، دنبال راضی کردن مخلوقان هستند.» (۶) بنابراین شما به هیچ وجه نباید به صرف این که مادرتان تقاضای طلاق دارد، همسرتان را طلاق دهید و این کار جایز نیست. شما با همسرتان عهد و پیمان بستید و به خاطر مادر نمی‌توانید آن را بشکنید، خلف وعده و پیمان‌شکنی در صورتی که طرف مقابل بر سر عهدش مانده، از گناهان بزرگ است.

ما نمی‌دانیم تا به حال برای حل این مشکل چه کارهایی انجام داده‌اید؟ آیا راهکاری در پیش گرفته‌اید؟ آیا راهکارها مفید و کارساز بوده یا نادرست اجرا شده است؟ اما برای حل و فصل این تنش و کدورت بین همسر و مادرتان باید توجه کنید آنچه در موارد حل اختلاف مهم است حفظ بی‌طرفی و نشان دادن خیرخواهی به حدی که برای طرفین قابل درک باشد و به این بی‌طرفی و خیرخواهی شما اقرار داشته باشند. مشخصاً پیشنهادهایی داریم:

الف: اگر اختلاف بین مادر و همسرتان ریشه و علت خاصی ندارد، باید سعی کنید با نهایت درایت و با حفظ بی‌طرفی از گسترش آن جلوگیری کنید. با هر کدام جداگانه صحبت کنید و به آن‌ها جداگانه بگویید چقدر برای



شما مهم هستند و حاضر نیستید آن‌ها را از دست بدهید و بیان کنید که طرف مقابل نیز حقوقی به گردن تان دارد که خدا راضی نیست پایمال شود و راضی به ظلم به دیگری هم نیستید. این نوع بیان‌ها باعث می‌شود طرف مقابل به شما اعتماد کند. محبت به طرفین به صورت خصوصی تأثیر بسیاری در راضی کردن آن‌ها دارد. حتماً دقت کنید که این دلجویی در حضور دیگری نباشد.

ب: اگر اختلاف دارای ریشه و علتی است در این صورت می‌توان با پیدا کردن آن راهی برای حل این اختلاف پیدا کرد. درواقع با از بین بردن اختلاف سابق این مشکل خودبه‌خود از بین می‌رود. اگر ریشه و علت اختلاف را پیدا کرده ولی خود به‌تنهایی نمی‌توانید اختلاف را از میان بردارید در این فرض با کمک گرفتن از مشاوران ماهر یا افراد بزرگ‌تر و بی‌طرف فامیل و محل، باید اختلاف به وجود آمده را حل نمود.

ج: اگر با کمک گرفتن از مشاور و افراد بزرگ‌تر و بی‌طرف فامیل و محل هم اختلاف برطرف نشد در این صورت شما باید حتی‌المقدور طوری برخورد کنید که نه مادر ناراحت شود نه همسر، به این شکل که وظایف خود را نسبت به مادر و همسر به‌طور کامل انجام دهید و نیکی خود را در



حق پدر و مادر بیشتر و کامل‌تر کنید و از آن‌ها بخواهید که برای حفظ زندگی شما از اختلافات خود دست‌بردارند.

د: یکی از کلیدی‌ترین راه‌ها برای حل مشکل حفاظت از اطلاعات خانوادگی و رعایت شیوه دوری و دوستی در آمار و اطلاعات و رفت‌وآمد است یعنی با همسران تفاهم کنید که از ارائه هرگونه آمار و اطلاعاتی که باعث ایجاد کدورت یا فتنه می‌شود یا باعث دخالت و دشمنی یا حسادت می‌شود دوری کند. هر چه از شما کمتر بدانند مشکل پیش می‌آید. اگر زیاد باهم بودن آن‌ها باعث ایجاد مشکل می‌شود سعی کنید بین آن‌ها دوری و دوستی را رعایت کنید. کمتر با همسران نزد مادران باشید و وقتی هم در مکانی باهم هستند سعی کنید مدت حضور کم باشد تا کدورت پیش نیاید؛ البته در همه موارد باید توجه داشت که این خداوند است که قلب‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند. پس حتماً دعا را فراموش نکنید. نذر کنید و از خدا بسیار کمک بخواهید قطعاً شمارا در این کار یاری خواهد کرد. در هر حال اگر مادر راضی به زندگی شما با همسران نیست، باید تلاش کنید اصلاح برقرار شود اگر نشد با دوری و دوستی، زندگی‌تان را حفظ کنید و به مادران نیز در حد توان کمک و احسان کنید. در مورد طلاق دادن حرف مادر را اطاعت نکنید،



ولی سعی کنید از محبت و نیکی و احسان او را سیراب کنید و به هیچ عنوان به عنوان فرزند (در صورت نداشتن آسیب) رابطه را با او کم یا قطع نکنید.

نتیجه:

احترام والدین و احترام همسر هر دو طبق منابع معتبر واجب و لازم است. کانون زندگی و حفظ آن از مهم ترین ارکان اسلامی است و خداوند از طلاق غیرموجه بدش می آید و آن را مبغوض ترین حلال می داند و هر دلیلی هم از نظر اخلاقی موجه نیست، بلکه برخی دلایل پذیرفته است که درخواست مادر جزو آن ها نیست؛ بنابراین اگرچه احترام مادر لازم است، ولی اطاعت از او درجایی که خدا ناراضی است لازم نیست. شما باید رابطه بین آن ها را مستقیم یا با کمک از مشاور و واسطه ها ریشه یابی کنید و تلاش کنید با صحبت و مدارا و محبت به هر یک از دو طرف، یا با محافظت از اطلاعات خانوادگی، یا با استفاده از روش دوری و دوستی این تنش ها را کم کنید. به هیچ وجه راضی به طلاق نشوید و به هیچ وجه رابطه با مادرتان را کم نکنید و سعی کنید او را از محبت سیراب کنید تا راضی شود که کاری به زندگی شما نداشته باشد. دعا را فراموش نکنید که بسیار مؤثر است.



کلمات کلیدی:

ازدواج، مادر شوهر، همسر، طلاق، مشکلات خانوادگی.

منابع برای بیشتر برای مطالعه:

ریشه‌یابی اختلافات خانوادگی همراه با: راه‌حل‌های آن، محمدرضا رامتین.

تحکیم خانواده از منظر حقوق و اخلاق، عباسعلی اختری.

مدیریت روابط همسران و خانواده، روح‌الله شمس‌ا و زهره حسین.

طلاق، چرایی و چگونگی، عباس پسندیده.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره اسراء، آیه ۲۳.
۲. سوره بقره، آیه ۱۸۷.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، انتشارات اسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۵۴.
۴. سوره عنکبوت، آیه ۸.
۵. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۸۰۵.
۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۳۸۳.

اشاره کردید که چند میلیون سؤال از شما شده است، غالباً خیلی از سؤال کننده‌ها جوان‌ها و دانشجو‌ها هستند. این کار خوبی است، البته این سستی بوده که از قبل در حوزه وجود داشته است. ممکن است یک نفر سؤال کند اما این سؤال در ذهن هزار نفر باشد توصیه من در مورد این سؤال‌ها این است که اینها را تدوین کنید، چاپ کنید و به شکل‌های خوب در اختیار جوان‌ها و دانشجو‌ها بگذارید و بگویید این سؤال‌ها شده، جواب‌هایش اینها است؛ به نظر یکی از کارهای واجب این است.



مجلس شورای اسلامی



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم